

عصری

تاخیر بنیادین



شرحی بر «مشروعیت عصر مدرن» هانس بلومبرگ

ترجمه، تدوین و تالیف: زانیار ابراهیمی

زنگنه

سرشناسه : ابراهیمی، زانیار، ۱۳۶۷ -

عنوان و نام پدیدآور: تأخیر بر تعریف روشنگری : شرحی بر مشروعیت عصر مدرن هانس بلومنیگ /

ترجمه، تدوین و تالیف زانیار ابراهیمی؛ ویراستار مصطفی نخعی.

مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی هنری نگاه و نگار نو، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۴۴۲ ص؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.

شابک: ۶۷۸-۶۲۲-۶۷۰۰-۲۰-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتاب حاضر شرحی بر کتاب "Die Legitimität der Neuzeit" اثر هانس بلومنیگ است.

یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: شرحی بر مشروعیت عصر مدرن هانس بلومنیگ.

موضوع: تمدن -- تاریخ

Civilization -- History: موضوع:

موضوع: تمدن جدید

Civilization, Modern: موضوع:

موضوع: فلسفه جدید

Philosophy, Modern: موضوع:

موضوع: اروپا -- زندگی فرهنگی

Europe -- Intellectual life: موضوع:

شناسه افزوده: بلومنیگ، هانس، ۱۹۲۰ - ۱۹۹۶ م.

Blumenberg, Hans: شناسه افزوده:

رده بندی کنگره: CBA۸

رده بندی دیویی: ۹۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۳۰۱۳۶

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

ترجمه، تدوین و تألیف: زانیار ابراهیمی

ویراستار: مصطفی نخعی

ناشر: پگاه روزگار نو

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

طراح جلد: سید علی میرفتاح

چاپ و صحافی: بوستان کتاب

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۰۰-۲۰-۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

☉ خیابان طالقانی، خیابان سرپرست جنوبی، کوچه پارس، پلاک ۱

۸۸۸۰۷۱۸۸

www.Rpub.ir

@roozegareno.pub

حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

۱۹ پیشگفتار

۱۵ بخش اول

۱۱۷ تأخیر بنیادین روشنگری / وانیار ابراهیمی

۱۱۸ بلومبرگ در بستر المان پس از جنگ

۱۳۲ متافیزیکِ خاستگاه؛ نقد بلومبرگ بر فنر سکولاریزاسیون

۱۴۲ مجادله بلومبرگ و لوویت

۱۷۳ مجادله بلومبرگ و اشمیت

۱۱۰ تأخیر بنیادین روشنگری و پروژه ناتمام مدرنیته

۱۱۹ بخش دوم

۱۲۱ مقدمه بر ترجمه انگلیسی مشروعیت عصر مدرن / رابرت ام. والاس

۱۲۲ وضع اندیشه‌ای که بلومبرگ در آن مداخله کرد

۱۲۵ کیفرخواست لوویت علیه «پیشرفت» و دوران مدرن به مثابه محصولات سکولاریزاسیون

۱۲۷ دفاع بلومبرگ از پیشرفتِ ممکن و شرح او از خاستگاه دوران مدرن

۱۳۰ تبیین بلومبرگ از آموزه‌های مدرن «پیشرفتِ اجتناب‌ناپذیر»

۱۳۲ برخی دیگر از «مواضع دوباره تصریف‌شده» در دوران مدرن

۱۳۶ پروژه بلومبرگ به مثابه رادیکال‌سازی روشنگری

۱۴۳ سکولاریزاسیون: نقد مقوله نامشروعیت تاریخی / سخنرانی بلومبرگ در کنگره مونستر

۱۷۱ | بخش سوم

۱۷۳ | ژان کلود مونود و میراث تاریخی نظریه سکولاریزاسیون / استیژن لاتره

۱۷۴ | مفهوم سکولاریزاسیون: تعریف، نظریه‌های جریان اصلی و پیش فرض‌ها

۱۷۸ | میراث تاریخی

۱۹۹ | مروری بر الهیات سیاسی: ارزیابی مجدد آرای کارل اشمیت در دوره پس از جنگ / پیتر هوهند

۲۲۹ | سکولاریزاسیون، تاریخ و نظریه سیاسی: مجادله هانس بلومبرگ و کارل اشمیت / سلینا ماریا براگانولو

۲۳۱ | ماهیت باوری تاریخی در برابر تاریخ‌مندی عقل

۲۳۳ | شالوده الهیاتی امر سیاسی در نظر اشمیت: گنوسیسم به مثابه سیاست مطلق

۲۳۹ | امر سیاسی به مثابه امر تام: استفاده سیاسی اشمیت از الهیات

۲۴۷ | از زندگی متأملانه به زندگی فعالانه: ابزاری سازی مدرن نظریه و مشکل معیار / الیزابت برینت

۲۶۹ | «دنیویت نادنیوی» دوران مدرن: مجادله بلومبرگ و هانا آرنه / الیزابت برینت

۲۶۹ | مقدمه

۲۷۴ | حمله بلومبرگ به تز سکولاریزاسیون

۲۷۶ | اشغال مجدد به مثابه مقوله‌ای تاریخی

۲۸۰ | دنیویت به مثابه «امضای دوران مدرن»

۲۸۳ | دنیویت به مثابه وجه بارز دوران مدرن

۲۸۸ | نتیجه‌گیری

۲۹۱ | آیا پیشرفت مقوله‌ای ناظر بر تسلی است: کانت، بلومبرگ و سیاست مدرن‌ها / میثائیل فونسل

۲۹۴ | سکولاریزاسیون ناممکن آخرت‌شناسی

۲۹۸ | پیدایی اندیشه پیشرفت

۳۰۱ | مدرنیته و تسلی بخشی

۳۰۵ گنوسیسم، مدرنیته و تجسد الهی: مجادله فوگلین و بلومبرگ / ویلم استایفهالس

۳۰۵ گنوسیسم و مجادله معاصر بر سر مدرنیته

۳۰۹ اریک فوگلین: رشد گنوسیسم

۳۱۶ هانس بلومبرگ: غلبه دوم بر گنوسیسم

۳۲۲ جزم تجسد و شاکله تنش درون مسیحی

۳۲۴ گنوسیسم و مدرنیته: فروپاشی تنش درون مسیحی

۳۲۹ مدرنیته به مثابه تنویدیسه: خوانش آدو مارکوارد از مشروعیت عصر مدرن / ویلم استایفهالس

۳۳۲ فصل گنوسیسم بلومبرگ

۳۳۸ تنویدیسه بدون الهیات

۳۴۵ تنویدیسه بدون خدا

۳۴۹ بلومبرگ و مسئله مدرنیته / رابرت پیرین

۳۷۵ یادداشت‌ها

پیشگفتار

کتاب پیش رو از سه بخش تشکیل می‌شود: در بخش نخست؛ کوشیده‌ام به مفیدترین و روشن‌ترین شکلی که از عهده‌ام برمی‌آمده است، شرحی از مشروعیت عصر مدرن ارائه دهم. این شرح، عصارهٔ رسالهٔ دکتری من است که البته در اینجا به شکلی روزآمد و منقح آمده و عیناً همان چیزی نیست که در کسوت دانشجوی آن دفاع کرده‌ام. در آنچه تحت این عنوان خواهید خواند، ادعایی گزاف و عجیب و غریب ندارم؛ به گمانم همین‌که توانسته باشم درآمدی روشن‌گر و تسهیل‌کننده برای این کتاب عرضه کنم، کفایت می‌کند. بخش دوم، مقدمهٔ والاس بر ترجمهٔ انگلیسی مشروعیت و سخنرانی معروف بلومنبرگ در کنگرهٔ مونستررا در برمی‌گیرد. مقدمهٔ والاس، کمابیش تنها متنی است که در آن به ناتمامیت مدرنیته اشاره شده است. والاس از تعبیر بسیار حیاتی «تأخیر بنیادین روشن‌گری» سخن می‌گوید که بلومنبرگ در ویراست اول کتاب از آن استفاده کرده است. به سخن والاس، بلومنبرگ از قسمی مدرنیتهٔ منشوری و نه بلوری دفاع می‌کند: مدرنیته‌ای که از افق سکولاریزاسیون خارج نشده است و ناخالصی‌هایی در آن وجود دارد، مدرنیته‌ای که در آن روشن‌گری با تأخیر

سر می‌رسد. همانطور که می‌بینید، این عبارت علاوه بر عنوان اصلی کتاب حاضر، عنوان نوشته من و هسته اگر نه پارادوکس، دست‌کم تنشی است که در این اثر بزرگ می‌یابم؛ تنشی مندرج در عرضه شرحی تاریخی از مهم‌ترین داعیه غیرتاریخی دوران مدرن: عقب نشستن از پیشینه‌ها و درانداختن طرحی تماماً نو بر پهنه تاریخ. سخنرانی بلومنبرگ در کنگره مونستر، نسخه کوتاه‌تر و آسان‌فهم استدلال‌های پیچیده‌تری است که او بعداً در مشروعیت بسطشان داد (البته آسان‌فهم در حدی که از فیلسوف دشوارنویسی چون بلومنبرگ می‌توان انتظار داشت). خوانش دقیق و باحوصله این سخنرانی، مواجهه خوانندگان با بخش اول مشروعیت را بسیار تسهیل می‌کند، بخشی که در آن بلومنبرگ با لوویت، اشمیت و سایر اصحاب تز سکولاریزاسیون درمی‌پیچد. همانطور که کرول در پایان الهی یا بشری تاریخ می‌گوید (ص ۲۴۸)، حتی لوویت بعدها به جای مطالعه خود مشروعیت، همین سخنرانی را دست‌مایه مرور خویش بر نقد بلومنبرگ قرار داد.

در بخش سوم، که طولانی‌ترین بخش کتاب نیز هست، ده مقاله را انتخاب و ترجمه کرده‌ام. معیارم برای گزینش مقاله‌ها این بوده است که مشروعیت را از بیشترین و بهترین زوایای ممکن روشن سازند و گفتگوهای پنهان و آشکار بلومنبرگ با دیگر فیلسوفان را تشریح کنند. استیژن لانه، در شرح روایت ژان کلود مونود، تصویری جامع را از جریان‌ها و اندیشمندان مختلف حاضر در این عرصه ترسیم می‌کند و پس از مقدمه والاس، که درآمدی بر خود کتاب مشروعیت است، مقاله او را می‌توان مدخل مفیدی برای شناخت بستر گسترده‌تر سکولاریزاسیون دانست. دو مقاله بعدی، به ترتیب نوشته پیتر هوهندال و سلینا ماریا براگانولو، به کارل اشمیت می‌پردازند که مهم‌ترین طرف گفتگوی بلومنبرگ است. همانطور که در مقاله هوهندال خواهید خواند، شارحان اشمیت به دو دسته تقسیم می‌شوند: کسانی که الهیات و ایمان اشمیت را بر سیاست او اولویت می‌دهند و آنهایی که سیاست او را مقدم بر الهیاتش می‌دانند. خود هوهندال، در دسته اول جای می‌گیرد. او به حق یکی از بهترین مقالات تفسیری را (نه فقط در جهان انگلیسی‌زبان) درباره اریک پترسون، کارل اشمیت و هانس بلومنبرگ نوشته است. البته شرح گنوسی او از اشمیت، در مجادله اشمیت و بلومنبرگ بر سر تفسیر جمله قصار گوته (تنها آنکه خود خداست، می‌تواند در

برابر خدا بایستد)، به باور من چندان قانع‌کننده نیست. در اینجا نباید گنوسیسیم اشمیت را جدی گرفت و اصیل دانست. گنوسیسیم ابزاری در دست اشمیت است تا با آن بتواند تداوم دشمنی را تضمین کند و در نتیجه بر حیات امر سیاسی بیافزاید. در مقابل، براگانولودر زمره کسانی است که سیاست اشمیت را اصیل می‌دانند. در بین این دسته از شارحان، براگانولویکی از پراجاع‌ترین مقالات را نوشته است. به علاوه، ترجمه این مقاله از آن رو ضروری بود که خود بلومبرگ نیز به دسته دوم تعلق دارد و معتقد است که اشمیت، ردای الهیات را بر سر تعلقات سیاسی اش می‌کشد و الهیات سیاسی او را در مقام الهیاتی صرفاً استعاری تحلیل می‌کند. بسیاری از شارحان، از جمله هاینریش مایرو روث گرو (که به دسته اول تعلق دارند)، نقد بلومبرگ را به دلیل یک سوپه‌گی اش نقد کرده‌اند. اما چنانکه در بخش اول کتاب (تأخیر بنیادین روشنگری) خواهم گفت، این نقد را باید تعدیل کرد، چون حتی اگر ایمان و الهیات اشمیت را نیز اصیل بدانیم، در نهایت نمی‌توانیم از این استنتاج پرهیز کنیم که او می‌خواست این ایمان و الهیات شخصی را از راه دولت تام و امر سیاسی به مثابه امر تام (یعنی سوپه سیاسی اندیشه خود) محقق کند. دو مقاله بعدی، نوشته الیزابت برینت، بر گفتگوی کوتاه و مهم بلومبرگ با هانا آرنت، در ابتدای مشروعیت، نور می‌تاباند. برینت در مقاله اول، دلالت‌های معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه نظریه بلومبرگ را با به کارگیری مفاهیم عمدتاً آرنتی «حیات متاملانه» و «حیات فعالانه» بررسی می‌کند و در این حین، ضمن توضیح مدل کارکردی تاریخ در نظر بلومبرگ، مفهوم تعیین‌کننده انسان مدل‌ساز را تشریح و آرای هر دوی آنها را از جهت مهمی تعدیل می‌کند. برینت در این تعدیل، مقاومت واقعیت در برابر مدل‌سازی‌ها را نکته‌ای می‌داند که بلومبرگ و آرنت از آن غفلت کرده‌اند. البته همانطور که به نقل از سونیا فِگِر در بخش اول خواهیم گفت، بلومبرگ این سوپه از واقعیت را به مثابه امری که در برابر اراده ما مقاومت می‌کند، شکل و صورت خاص واقعیت در دوران مدرن تحلیل می‌کند و شاید از این حیث باید اصلاحیه برینت را اصلاح کرد. برینت در مقاله دوم، مواجهه مستقیم‌تر بلومبرگ با آرنت را می‌کاود. بلومبرگ با نقل قول‌هایی از وضع بشر آرنت، او را کمابیش هم‌ردیف اصحاب سکولاریزاسیون می‌شمارد، گویی او از جهان به مثابه مؤلفه‌ای ثابت سخن گفته است. با این حال، برینت نشان می‌دهد که بلومبرگ

و آرنت در سطحی عمیق‌تر با یکدیگر هم‌داستان‌اند، و در حالی که بلومنبرگ از مشروعیت دوران مدرن دفاع می‌کند، آرنت به پیامدهای این دوران (البته نه برای طرد آن، بلکه در مقام چاره‌جویی) می‌پردازد و شاید بتوان گفت خلأ سیاسی را که در اندیشه بلومنبرگ وجود دارد، می‌پوشاند (البته اخیراً انگوس نیکولز با بررسی آثار منتشر نشده بلومنبرگ، این صبغه سیاسی را برجسته‌تر کرده است)^۱ و نیز ترجمه مقاله مغفول‌مانده‌ای از بلومنبرگ، «مفهوم واقعیت و نظریه دولت»،^۲ نشان داده است که این خلأ چنان که قبلاً پنداشته می‌شد، پررنگ نیست. در مقاله بعد، میثائیل فوئسل پرتوی ارزشمند بر یکی از نقاط افتراق بلومنبرگ و لوویت در باب مفهوم پیشرفت می‌افکند. لوویت در معنا در تاریخ از تبدیل مشیت به مفهوم پیشرفت نامتناهی سخن می‌گوید. در اینجا فوئسل این نامتناهیت را نه نشئت‌گرفته از اوصاف الهی (و به تعبیر بلومنبرگ، «هجرت» این اوصاف از آسمان به زمین) بلکه واجد کارکردی تسلی‌بخش و کمابیش روان‌شناختی می‌داند. این نامتناهیت سه کارکرد دارد: نخست؛ انسان‌ها را در مقام فرد تسکین می‌دهد؛ انسان‌هایی که به احتمال فراوان، پیامدهای دور و دراز پیشرفت را در عمر کوتاه خود نخواهند دید. به عبارت ساده‌تر، حال که نقطه پایانی برای پیشرفت قابل‌تصور نیست، هیچ فردی در هیچ زمینه و زمانه‌ای غبطه نخواهد خورد که عمرش کفاف مشاهده نقطه اوج این پیشرفت را نخواهد داد. دوم؛ پیشرفت نامتناهی، راه را بر جنایت‌پیشگانی خواهد بست که نقطه پایان را دستاویزی قرار می‌دهند تا افراد را به ابزار نیل به این پایان بدل سازند. فوئسل در اینجا به خوبی همدلی بلومنبرگ با کانت را برجسته می‌سازد؛ اینکه انسان‌ها را باید چونان هدفی فی‌نفسه دید. سوم؛ پیشرفت نامتناهی نوعی آرمان تنظیمی برای سکونت در جهانی است که لنگرگاه‌های متفاوتی و استعلایی‌اش را از دست داده است و شاید تنها راه مشروع برای کم‌کردن از فاصله هولناک

۱ نگاه کنید به این کتاب نیکولز، به ویژه فصل‌های هفتم و هشتم:

Myth and Human Sciences, Hans Blumenberg's Theory of Myth. Angus Nicholls, (New York: Routledge, 2015).

2 History, Metaphors, Fables, A Hans Blumenberg Reader, Edited, translated and with an Introduction by Hannes Bajohr, Florian Fuchs and Joe Paul Kroll, (2020; Cornell University Press and Cornell University Library Ithaca and London, pp. 84-116).

زیست‌زمان و جهان‌زمان است، و نه صورت سکولار شده‌ای از آخرت‌شناسی، که تقدیری موحش دارد و لاجرم به ضروری می‌انجامد که نمونه‌هایش را در نیمه اول قرن بیستم دیده‌ایم. دو مقاله بعدی را ویلم استایفهالس نوشته است. او در مقاله نخست خود، گفتگوی نیمه‌پنهان بلومنبرگ با فوگلین را برجسته می‌سازد، که شاید پس از اشمیت و لوییت، بتوان او را مهم‌ترین معارض بلومنبرگ خواند. فوگلین مدرنیته را عصری گنوسی می‌داند و بلومنبرگ آن را محصول غلبه دوم برگنوسیسم تحلیل می‌کند. استایفهالس نشان می‌دهد که فوگلین بیشتر در راستای نظریه لوییت قرار می‌گیرد، چون برگنوسیسم به مثابه تجربه رستگاری تمرکز می‌کند و فلسفه‌های پیشرفت را البته نه صورت سکولار آخرت‌شناسی، بلکه انحراف از مسیحیت راست‌گیش و نقض تنش میان زمین و آسمان می‌پندارد، در حالی که بلومنبرگ این تنش و تناقض را بیماری الهیات و گنوسیسم را نشانه خود این بیماری و سرانجام مرگ پیکره الهیات تلقی می‌کند. استایفهالس در مقاله دوم خود، تکمله مارکوارد (دوست و همکار بلومنبرگ و تا حدی شارح او) را با تمرکز بر مفهوم تئودیه بررسی می‌کند. او نشان می‌دهد که بلومنبرگ به تئودیه‌ای غیرالهیاتی (یا قسمی آنتروپودیه) نظر دارد که در آن انسان نه به دنبال توجیه خلقت به مثابه مخلوق خداوند و تبرئه خداوند از شرارتی که گنوسیسم به او منتسب می‌کند، بلکه به دنبال تبرئه خود خلقت در مقام پدیده‌ای خودبسا و بی‌اعتنا به ماست. این بی‌اعتنایی، به معنای خنثی شدن مسئله شر است. به عبارتی، حال که طبیعت به ما اعتنایی ندارد، ضرور طبیعی را نمی‌توان به معنای دقیق کلمه شردانست و حال که طبیعت خنثی و بی‌اعتناست، دوران مدرن پاسخی تازه به پرسش از شر نمی‌دهد، بلکه خود صورت مسئله را خنثی (و به تعبیری پاک) می‌کند. بر طبق تفسیر بلومنبرگ از واقعیت در دوران مدرن، شر (به معنای استعاره‌ای) هر آن چیزی است که در برابر اراده ما به زیستن و بهروزی قرار می‌گیرد. و سرانجام رابرت پیپین، در یکی از مهم‌ترین مقاله‌هایی که به رغم گذشت چند دهه، همچنان اعتبار خود را حفظ کرده است، به تشریح و نقد بلومنبرگ می‌پردازد. امتیاز نقد پیپین این است که برخلاف کمابیش همه دیگر شارحان، که به دو بخش نخست مشروعبیت بسنده می‌کنند (که البته بخش‌های اصلی کتاب‌اند)، بخش‌های سوم و چهارم (و عمدتاً سوم) را شرح می‌دهد که به تبارشناسی کنجکاوی از زمان

سقراط تا دوران مدرن، و وجوه ممیزه دو شخصیتِ جوردانو برونو و نیکولاس کوژیایی اختصاص یافته است. به علاوه، پپین گرچه خود را از سنت هگلی رها نمی‌سازد و نمی‌تواند از مقایسهٔ بلومنبرگ و هگل بهره‌برد، (و به گمان من به نحوی ناروا، روش ماکروسکوپی بلومنبرگ را متهم به نزدیک‌بینی می‌کند)، در نقد بلومنبرگ به نکات ارزشمندی اشاره می‌کند که در بخش «تأخیر بنیادین روشنگری» از آن استفاده کرده‌ام.

چنانکه از این پیشگفتار برمی‌آید، کتاب حاضر، درآمدی است بر ترجمهٔ مشروعیّت عصر مدرن. هر بار به ترجمهٔ این اثر بزرگ اندیشیده‌ام، دغدغهٔ خاطر من این بوده است که آیا مقدمات نظری کافی برای این کار فراهم شده و آیا آثار تفسیری مکفی چنان به فارسی ترجمه شده‌اند که خوانندگان را برای مواجهه با این اثر آماده سازند. صاف و ساده بگویم، نمی‌خواستم که مشروعیّت به فارسی ترجمه شود (چه من این کار را انجام داده باشم و چه کسی یا کسانی دیگر) و برود و در کتابخانه‌ها خاک بخورد، بی‌آنکه بحثی در انداخته و به درستی فهمیده شده یا جریانی لااقل کوچک ایجاد کرده باشد. بلومنبرگ در مشروعیّت عصر مدرن اظهار می‌کند که مشروعیّت، زمانی به محل بحث تبدیل می‌شود که انکار شده باشد (ص ۶۱). بنابراین منطقی است که پیش از ترجمهٔ خود اثر بلومنبرگ، به آرای منکران و نافیان پرداخته شود تا دفاعیهٔ او نیز بهتر به فهم درآید، دفاعیه‌ای که البته همانطور که خواهیم دید، خود قادر است بر زمینی مستقل بایستد و شأنی علی‌حده پیدا کند. بدین ترتیب، حال که از ترجمه و شرح آثار مهم‌ترین نافیان، چندین سال می‌گذرد، گمان می‌کنم که بتوان پس از مجلد حاضر، سر وقت کتاب اصلی رفت.